

Success – Socrates

A young man asked Socrates the secret of success. Socrates told the young man to meet him near the river the next morning. They met. Socrates asked the young man to walk with him into the river. When the water got up to their neck, Socrates took the young man by surprise and swiftly ducked him into the water.

The boy struggled to get out but Socrates was strong and kept him there until the boy started turning blue. Socrates pulled the boy's head out of the water and the first thing the young man did was to gasp and take a deep breath of air. Socrates asked him, «what did you want the most when you were there?» The boy replied, «Air». Socrates said, «That is the secret of success! When you want success as badly as you wanted the air, then you will get it!» There is no other secret.

موفقیت و سقراط

مرد جوانی از سقراط رمز موفقیت را پرسید که چیست. سقراط به مرد جوان گفت که صبح روز بعد به نزدیکی رودخانه بیاید. هر دو حاضر شدند. سقراط از مرد جوان خواست که همراه او وارد رودخانه شود. وقتی وارد رودخانه شدند و آب به زیر گردنشان رسید سقراط با زیر آب بردن سر مرد جوان، او را شگفت زده کرد.

مرد تلاش می کرد تا خود را رها کند اما سقراط قوی تر بود و او را تا زمانی که رنگ صورتش کبود شد محکم نگاه داشت. سقراط سر مرد جوان را از آب خارج کرد و اولین کاری که مرد جوان انجام داد کشیدن یک نفس عمیق بود. سقراط از او پرسید، «در آن وضعیت تنها چیزی که می خواستی چه بود؟» پسر جواب داد: «هوا» سقراط گفت: «این راز موفقیت است! اگر همانطور که هوا را می خواستی در جستجوی موفقیت هم باشی بدستش خواهی آورد» رمز دیگری وجود ندارد.

Can I have a penny?!

A man was praying to god... He said, «God?» God responded, «Yes?» And the Guy said, «Can I ask a question?» «Go right ahead», God said. «God, what is a million years to you?»

God said, «A million years to me is only a second.» The man wondered. Then he asked, «God, what is a million dollars worth to you?» God said, «A million dollars to me is a penny.» So the man said, «God can I have a penny?» And God cheerfully said, «Sure!..... just wait a second!!»

آیا می توانم یک پنی داشته باشم؟

مردی داشت دعا میکرد... او گفت: خدایا خدا جواب داد: بله و مرد پرسید: میتونم به سوال ببرسم؟ خدا جواب داد: بفرما خدایا یک میلیون سال در نظرت چقدره؟ خدا گفت: یک میلیون سال در نظر من یک ثانیه هست. مرد شگفت زده شد. بعد پرسید: خدایا یک میلیون دلار در نظرت چقدره؟ خدا جواب داد: یک میلیون دلار به نظرم یک پنی است. پس مرد گفت: خدایا، آیا میتونم یک پنی داشته باشم؟ و خدا با خوشروئی گفت، حتما!..... فقط یک ثانیه صبر کن!! ترجمه: سعید ضروری

به گزارش «ایسنا» (۲۱/۰۵/۱۳۸۷)، سایت اینترنت بر کاهش مخاطبان شبکه های تلویزیونی پرداخته است.

در این مطلب آورده شده است:

فروش روزنامه ها روزبه روز کمتر می شود، تبلیغات رادیویی در حال کاهش است و به تعداد مخاطبانی که دیگر تلویزیون تماشا نمی کنند، روزبه روز افزوده می شود.

باتوجه به رشد چشم گیر اینترنت به راحتی می توان دریافت که رسانه هایی هم چون روزنامه و رادیو رو به نزول می روند؛ اما در این میان با در نظر گرفتن شرایط فعلی می توان پیش بینی کرد که تلویزیون اولین رسانه ای است که با گسترش علاقه مندان به استفاده از اینترنت به طور کلی از بین خواهد رفت؛ این در حالی است که رادیو هنوز می تواند اندکی به حیات خود ادامه دهد.

در شرایط فعلی روزنامه ها نیز از خطر سقوط تقریباً مصون

رسانه های ورزشی - تلویزیون نخستین رسانه های که از بین خواهد رفت

حسن طلمی taliei@yahoo.com



نخواهند بود و این در حالی است که آینده ی روشنی نیز برای این رسانه ی مکتوب قابل پیش بینی نیست. - آیا تلویزیون در میدان رقابت می ماند؟ - خاموشی تلویزیون حقیقت دارد؛ به عنوان مثال در آمریکا و در سال ۲۰۰۸ م. ۲/۵ میلیون بیننده، تلویزیون های خود را به کلی خاموش کردند در این مقدار در مقایسه با سال ۲۰۰۶ م. پیشرفت قابل توجهی داشته است. - طبق آمار، این تنها درصد کوچکی از کاهش مخاطبان تلویزیون است؛ اما با این حال تعداد کسانی که هنوز هم تلویزیون تماشا می کنند، روزبه روز در حال کم شدن است. - کاهش تماشای تلویزیون در

نخواهند بود و این در حالی است که آینده ی روشنی نیز برای این رسانه ی مکتوب قابل پیش بینی نیست. - آیا تلویزیون در میدان رقابت می ماند؟ - خاموشی تلویزیون حقیقت دارد؛ به عنوان مثال در آمریکا و در سال ۲۰۰۸ م. ۲/۵ میلیون بیننده، تلویزیون های خود را به کلی خاموش کردند در این مقدار در مقایسه با سال ۲۰۰۶ م. پیشرفت قابل توجهی داشته است. - طبق آمار، این تنها درصد کوچکی از کاهش مخاطبان تلویزیون است؛ اما با این حال تعداد کسانی که هنوز هم تلویزیون تماشا می کنند، روزبه روز در حال کم شدن است. - کاهش تماشای تلویزیون در

چگونه رییس بمانیم

علیرضا توحدی

کنید کارگروه هایی از افراد مورد وثوق انتخاب کنید مطمئن باشید بیست یا سی سال دیگر هیچ فردی به بررسی اهداف وعده داده شده نخواهد پرداخت. ۴ - به خودتان رسید. د کورا سیون اتاقتان مهم است. سعی کنید کت و شلوارتان همیشه شیک تر از بقیه باشد. ارتباط خود را با کارکنان



کم کنید تا همه بدانند شما با بقیه فرق دارید. قیافه تان همیشه متفکرانه باشد. لازم نیست در فکر خاصی باشید همین که قیافه ی فکروانه ی شما، دیگران را تحت تاثیر قرار دهد کافیت. گاهی وقت ها نگاهتان را

می نویسند که ممکن است در شما وجود نداشته باشد. آنها را به شکل غیرمحسوس تکریم و زمینه ی فعالیتهاشان را فراهم کنید. ۵ - قبل از واگذاری هر مسئولیتی از بی کفایتی او مطمئن شوید.

میان جوانان بسیار بیشتر به چشم می خورد. بر اساس تحقیقی که در سال ۲۰۰۵ م. انجام شد، تقریباً بیش از نیمی از جوانان ۱۵ تا ۲۴ سال ترجیح می دهند، بیشتر در اینترنت جست و جو کنند تا این که تلویزیون تماشا کنند.

- بر همین اساس میانگین سنی تماشای تلویزیون در آمریکا تا ۵۰ سال افزایش یافته است. مهم ترین نکته در مورد عدم سقوط تلویزیون تا به امروز این است که هنوز جانشین درخور و مناسبی برای آن پیدا نشده است. مخاطبان تلویزیون با استفاده از طیف گسترده ای از خدمات اینترنتی و آن لاین خرسند به نظر می رسند. با این وجود لذت تماشای تلویزیون هیچ گاه با اینترنت برای آنان قابل مقایسه نیست. در دنیای امروز فاصله گرفتن از رسانه های سنتی و رایج، هم زمان با افزایش روزافزون استفاده از اینترنت برای دست یابی به اطلاعات و یا حتی سرگرمی، در حال افزایش است.

تصور کنید فردی با قامتی متوسط در کنار افراد بلند قد ایستاده است و در وقتی دیگر در کنار افراد کوتاه قد. او در نوبت اول کوتاه قد به نظر می رسد و در وقت دوم بلند قامت. این موضوع در باره ی تمام مسائل نسبی درست است. بنابراین سعی کنید افرادی را که از لحاظ دانش و توانمندی از شما کم ترند به عنوان معاون یا مسئول قسمت ها انتخاب کنید. البته در بسیاری از نهادها و سازمان ها معاونین دو سه دهه در مقام خود هستند و با توجه به بی کفایتی شما را انتخاب می کنند. ۶ - حس بویایی خود را تقویت کنید.

هر چند سال یک بار گروهی سیاسی حاکم می شود. اگر فردی نتواند این جریانات سیاسی را بشناسد و طبق شعارها و حتی دیدگاههای آنها رفتار کند کلاهش پس معرکه است. اما نباید کاسه ی داغتر از آش بود. صندلی رئیس بهتر است چرخان باشد تا با اندک نسیمی چرخش داشته باشد.

چرا استیل آذین به کاشان نیامد؟

ابوالفضل نوحی ABOLFAZLNOO HI@yahoo.com

نادر استان جان تازه ایی به خود گیرد، آمد و رفت های متعدد مسئولین و صد البته اهالی فوتبال در شرکت گالوانیزه

جنشبی خاص حتی در شهر ایجاد نمود بنحویکه حسین هدایتی به جهت تحقق یافتن حرفهایش ریاست تربیت بدنی کاشان را بعنوان یکی از اعضای هیات مدیره انتخاب نمود و دیگر اعضاء را بعضاً از همشهریان فعال کاشانی در عرصه فوتبال و ورزش کشور قرار داد این در حالی بود که مهریزی تلاش و برنامه ریزی خاصی را برای ایجاد بستر فوتبال در کاشان فراهم مینمود که شاید عمده فعالیت این شرکت در بعضی از موارد نوپا شدن امر فوتبال میگردد تا اینکه مشکلات نو ظهور سازمان بورس اوراق بهادار از امتناع حضور داشتن شرکتهای بورسی به تیم ورزشی، بروز نمود.

این در حالی بود که وزیر صنایع در آخرین بازدید طرحهای خود از این مجتمع قول حضور این تیم را به شهرستان کاشان در حضور استاندار و معاونین آن و دیگر مسئولین شهرستان و رسانه ها بعنوان تیم فوتبال کاشان مؤده داد و یکی از امور قابل اجرا دانست.

اما روزها گذشت و برنامه های فدراسیون فوتبال به جهت شروع بازیها

داشتن شرکتهای متعدد خود عهده دار بیشترین سهام این شرکت فولادی در منطقه کاشان گردد.

علاقه آن به منطقه کاشان و مردم این ناحیه از سویی و از سوی دیگر دارا بودن سهام این شرکت راهی موثر بود برای زمزمه های حضور تیم استیل آذین در کاشان و انتقال آن به این شهرستان.

در شهر رسانه ها و پرسنل این شرکت به گونه ایی دیگر صحبتهایی پراکنده در این خصوص شایع گردید تا اینکه در جلسه ایی رسمی حاج حسین هدایتی از انتقال این تیم به شهرستان کاشان خبر داد. و این در حالی بود که تمامی اقدامات لازم جهت انتقال رسمی تیم به مرکزیت این شرکت آغاز گردید و در همان روزهای ابتدایی امیر مهریزی که یکی از نزدیکترین افراد به مدیر عامل شرکت خاور آذین بود توانست طی حکمی بعنوان مدیر عامل تیم استیل آذین معرفی گردد در راینی های اولیه مدیر عامل وقت شرکت گالوانیزه با پیگیریهای متعدد سعی در جذب افراد و نیروهای مستعد و ذی نفوذ و قابل اطمینان به جهت هموار نمودن امکانات و مقدمات حضور این تیم در کاشان نمود تا شاید ورزش خاموش کاشان و صد البته ورزشگاه

دریچه

نشریه ای که بیمار متولد می شود خیلی زود می میرد

محمدعلی سنجریان همه روزه شاهدیم که نشریات فراوانی از سوی سازمانها و نهادها با مطالبی کلیشه ای و کپی شده در رنگها و شکلهای مختلف چاپ و منتشر می گردند و متأسفانه بدون آنکه توانسته باشند در عمر کوتاه خود در ساختار و زیرساختهای فکری فرهنگی، علمی و راهبردی سازمان مربوطه نقش موثری ایفا کنند، خیلی زود به عمر کوتاه آنها پایان داده می شود.

به راستی چرا؟ و تا به کی؟ یکی از مهمترین عواملی را که می توان به عنوان دلیل ذکر نمود «قطعاً چنین است» من محوری است که جایگزین خرد و اندیشه و تحقیق و پژوهش گردیده و بر مطالب یک نشریه سایه ای بس سنگین افکنده است.

انسان تنها موجود خردمند جهان خلقت است و خرد، مایه و پایه علم و دانایی است و از این خاستگاه است که دانایی زاده می شود و ساخته می گردد و در صورتی که این بستر و خاستگاه همراه با تربیت های اخلاقی و انسانی جوشش کند، آنگاه به شکوفایی می رسد و گرنه کاری از فرد ساخته نیست.

اگر این بستر شکوفا شود، پویایی اندیشه فرا می رسد و لحظه ای آرام نمی گیرد و جان و ذهن را به تکاپو وامی دارد.

نمی دانم تعلق آدمی به جهان اندیشه چه اندازه و تا کجاست، فقط می دانم افلاطون ها، ارسطوها، سعدی ها، و حافظ ها و فارابی ها به جهان اندیشه تعلق دارند و نمرده اند و نمی میرند و نشریه ای که به آن اندیشه و خرد تزریق نگردد بی ریشه است. اندیشه ای که می پوید زوال نمی پذیرد و نیستی ندارد بلکه در غوغای اندیشه پرسه می زند و جریان توفنده افکار را شتاب می دهد. پویش و تحقیق در تهیه مطالب یک نشریه ارمانی ویژه هم دارد، هرچه در آن پرسه می زنی و جای خوش می کنی به جهل و نادانی خود بیشتر پی میبری، سقراط گفته بود که بالاترین جهل آن است که جاهل عالم بنماید. پی بردن نسبی به جهل و نادانی و اقرار به آن تفکر از از چنگال این جانور چلاک یعنی هیولای جهل می زیاید و از آسیب هایش می کاهد و یا حداقل دست و پای آن را به بند می کشد و گردنش را به گمند.

صاحبان قلمی که دور از ناموس علم وذات دانایی و کمال قلم زنی می کنند همچون آرایشگرانی هستند که به نشریه، زیبایی عاریتی می دهند. و به عالم چاپلوسی خدمتگزارند، لذا نه خود می دانند چکاره اند و نه دیگران، نوشته و مطلب وقتی زیبا و خوب و مطلوب است که به دفاع از دانایی و عدالت و زیبایی های ناشی از آنها بپردازد.

روزی با خود گفتم که بدبخت جامعه ای که از افراد دانش پژوه محروم است، روز دیگر زیر لب گفتم بیچاره جامعه ای که به فرد پژوهنده محتاج باشد، یعنی از لحاظ فقر و پژوهندگی آنقدر تنگدست باشد که به «دریوزگی» این و آن بنشیند.

برای ساختن باید شناخت، و شناخت بی تحقیق و پژوهش ممکن نیست و نخواهد بود.

مجتبی شبانه دانش آموز دبیرستان شهدای دهنو در مسابقات دانش آموزی جهان سوم شد



مجتبی شبانه دانش آموز دبیرستان شهدای دهنو در مسابقات دانش آموزی جهان سوم شد. این مسابقات در کشور استونی برگزار شد و این پرتابگر دیسک توانست دیسک را بیش از ۵۲ متر پرتاب کرده و از بین ۳۷ پرتابگر مقام سوم دانش آموزان جهان را به دست آورد.

اوکه روز ۱۰ تیرماه از سفر استونی بازگشت یادآور شد در مسابقه به دلیل ندانستن زبان انگلیسی اذیت شدم. روز مسابقه هم در جایی ایستاده بودم که یکی گفت خیلی وقت قبل نام تو را خواندند با عجله وارد دایره ی پرتاب شدم و بدون آمادگی ذهنی دیسک را پرتاب کردم. در ورزشگاه تختی آران ویدگل تا ۵۴ متر هم پرتاب می کردم اما این بار با پنجاه و دو متر و نیم سوم شدم. مجتبی شبانه روز ۱۸ تیرماه برای شرکت در مسابقات قهرمانی نوجوانان جهان عازم ایتالیا می شود.